

رهیافت تفسیری ماهیت نظارت پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام با تأکید بر آیات ۸۹ نحل و ۴۱ نساء^۱

* نیره زکی دیزجی

** حمیدرضا سروریان

چکیده

از موضوعات مورد غفلت در مباحث گواهان روز قیامت، بحث ناظران دنیوی است. خداوند نظارت را به عده‌ای از عاملان دنیوی از جمله پیامبران به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تفویض نموده است. مقاله حاضر با بررسی واژه قرآنی نظارت و معادل آن و دیدگاه‌های تفسیری و ادله روایی و قرائن سیاقی آیات مربوطه بر آن است که هر قومی ناظری برگزیده از سوی خدا دارد که بر اعمال امت خود نظارت می‌کند. گستره نظارت پیامبر صلی الله علیه و آله بر تمام اهل بشر از آغاز تکون عالم امکان تا آخر عالم است. مفسران اهل سنت ناظران بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را با روش اجماع پذیرفته‌اند، اما مفسران شیعه با در نظر گرفتن قرائن و شواهد آیات و ادله روایی، ائمه اطهار علیهم السلام را به عنوان ناظر بر اعمال مردم معرفی کرده‌اند که نظارت آنان تا روز قیامت در حال حیات و ممات بر امت اسلام گسترده است. در این مقاله آراء اهل سنت بررسی و در نهایت رأی صحیح بیان شده است.

واژگان کلیدی

آیه ۸۹ نحل، آیه ۴۱ نساء، ناظران اعمال، نظارت پیامبر صلی الله علیه و آله، نظارت ائمه اطهار علیهم السلام.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با همین عنوان است.

*. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول).

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۹

zaki170@iran.ir

sarvarianhr@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۷

طرح مسئله

نظارت ناظران الهی، در قرآن مجید از موضوعاتی است که به بحث دقیق نیاز دارد؛ محور این پژوهش تکیه بر نظارت دنیوی عاملان نظارت به‌ویژه ائمه اطهار علیهم‌السلام است که آراء مفسران شیعه و سنی درباره آن متفاوت است. این مقاله درصدد آن است که دو قسم از گواهان روز قیامت و ناظران دنیا را - پیامبران علیهم‌السلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام - بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که آیا این نظارت اختصاص به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارد و یا به سایر امت نیز سرایت می‌کند، اگر به سایر امت سرایت می‌کند آیا همه امت اسلام شاهد و ناظر هستند، یا به عده‌ای از امت، که همان ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند اختصاص دارد؟ و در نهایت نحوه نظارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و عرضه اعمال امت بر آنان چگونه است؟

الف) در لغت

نظارت مشتق از نظر ینظر نظراً به معنای نگاه کردن و شاهد چیزی بودن است (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳) البته دیدن گاهی با چشم است «وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ» (توبه / ۱۲۷) و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، برخی آن [منافق] آن به برخی [دیگر] نگاه می‌کنند. و گاهی با قلب. اگر مشاهده با قلب باشد، مراد از آن تدبیر و تأمل و دقت است که به‌وسیله آن، علم یا ظن حاصل می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۸: ۷ / ۸۱) گاهی مراد معرفت حاصل بعد از فحص و تأمل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۶۶)، «وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (حشر / ۱۸) و هر شخصی باید بنگرد که برای فردای [رستاخیز] چه چیزی پیش فرستاده است. اگر این معنا درست در نظر گرفته شود نظارت، آگاهی و معرفتی است که به‌طور مستمر از اشخاص حاصل می‌شود و با در نظر گرفتن تدبیر و تأمل و دقت، این معرفت، ظاهر و باطن انسان‌ها را دربر می‌گیرد.

ب) در اصطلاح

نظارت در رفتارهای اجتماعی و بازرسی، فعالیتی است که «بایدها» را با «هست‌ها»، «مطلوب‌ها» را با «موجودها» و «پیش‌بینی‌ها» را با عملکردها مقایسه می‌کند. (محسن شیخی، ۱۳۸۱: ۲۳) نظارت متعلق به خداست اما بنا به اقتضای عالم ماده، این امور را به عده‌ای از بندگانش تفویض نموده است. علامه طباطبایی در تفسیر *المیزان*، این معنا را در تعریف شهادت آورده و گفته است حقیقت شهادت عبارت است از تحمل دیدن حقایق اعمال که مردم در دنیا انجام می‌دهند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۵۳)

پس کلمہ شہادت و نظارت در معنا به ہم نزدیک هستند با این تفاوت کہ در نظارت، استمرار و مراقبت وجود دارد و شہادت ارائه این حقیقت است. انسان وقتی بہ صورت فطری در درون خود می‌یابد کسی انسان را مراقبت و او را بہ صراط مستقیم رهنمون و در بیراہہ‌ها سرزنش می‌کند این همان نظارت الہی است کہ در روحویات و رفتار انسان تأثیر می‌گذارد و او را در لحظات تردید ارشاد و راهنمایی می‌کند. بنابراین نظارت؛ یعنی بررسی مستمر و کنترل و ہدایت فعالیت افرادی کہ تحت نظارت ناظر است. در زبان قرآن معادل آن واژہ‌هایی نظیر: بصیر، خبیر، رقیب و شاهد است.

واژہ‌های معادل نظارت در قرآن

بصیر

«بصیر» صیغہ مبالغہ مادہ «بصر» است کہ بہ معنای چشم، بینایی، دانایی، علم، احساس، ادراک ... است. (سیاح، ۱۳۷۳: ۲ / ۱۰۸) بصیر یکی از اسمای حسناۃی خداوند است؛ یعنی صفتی کہ نہایت توصیفی از مبصرات را می‌رساند و بہ عبارت دیگر بصیر؛ یعنی آگاهی فوق العادہ. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۶۵ - ۶۴) بصیر علم بہ دیدنی‌ها و یکی از شعب اسم علیہم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۲۹)

خبیر

«خبیر» بہ معنای دانا و آگاہ بہ رازهای نہانی، کارشناس و خبرہ و بر ثبوت و استمرار در صفت دلالت می‌کند. (راغب اصفہانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۶۶) خبیر یکی از اسمای حسناۃی الہی است؛ یعنی عالم بہ آنچه کہ بود و در آیندہ خواهد بود. آگاهی از باطن و عقاید و نیات و ساختمان روحی انسان و در واقع عالم بہ کیفیات امور است. (رازی، ۱۴۲۲: ۱۷ / ۳۱۴)

رقیب

«رقیب» از ریشہ رقب، بہ معنای حفظ و انتظار است. (طریحی، ۱۳۷۲: ۲ / ۳) «رقیب» بہ معنای نگهبان، کہ در حفاظت و نگہبانی خود اشراف و احاطہ دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۲۴) اصل رقیب از تَرَقُّب (بہ معنای انتظار، حافظاً)، بر وزن «فعلیل» بہ معنای فاعل و صیغہ مبالغہ است و بر ثبوت و تداوم این وصف در موصوف دلالت دارد. رقیب از اسمای حسناۃی الہی است؛ یعنی حافظی کہ چیزی از دید او پنهان نیست. (همان)

شاهد

«شاهد» بہ معنای گواہ، حاضر (اسم فاعل ثلاثی مجرد) و معنای حدوٹی دارد و از شہد مشتق شدہ

است که بر معنای حضور و آگاهی دادن دلالت می‌کند. شهادت و شهود؛ یعنی حضوری که توأم با مشاهده باشد؛ خواه با چشم سر یا با مشاهده قلب. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۸۱۲) در شهادت دادن، شاهد از چیزهایی که مشاهده کرده است از روی قطع خبر می‌دهد؛ به طوری که هیچ چیزی از سیطره علم او پنهان نباشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۲۳۸) و این خصوصیت درباره خداوند مطلق است. در قرآن مجید، خداوند مکرر با این صفت توصیف شده است (یونس / ۴۷؛ سبأ / ۴۷؛ توبه / ۹۴؛ مائده / ۱۱۷؛ حشر / ۲۲؛ فصلت / ۵۴ - ۵۳)

بررسی واژه «یری» و «یری» و دلالت آن بر نظارت

«رأی»: دیدن، دانستن، نگاه کردن (قرشی، ۱۳۷۸: ۳ / ۳۵) دیدن به دو نحو است: یکی دیدن با چشم و دیگری با قلب. با تأیید نظر اهل لغت اگر رأی به دو مفعول متعدی شود به معنای علم آید (همان) اگر «یری» را به خداوند نسبت دهیم دیدن به هر نوعش در مورد خداوند به معنای حضور در محضر خداست. خداوند علمش و رویتش همان حضور و شاهد بودن او به تمام اشیا و به تمام جوانب موجودات است. (همان: ۵ / ۳۴)

برخی از آیاتی که در این باره در قرآن آمده است (بلد / ۷؛ علق / ۱۴) بر نظارت و احاطه خدا بر بندگانش دلالت دارد. این نظارت، احاطه و حضور، همان شاهد بودن خداست.

الف) نظارت پیامبران ﷺ

تمام انبیای الهی ﷺ به اذن خدا به نحوی، بر رفتار افراد ناظرند. نظارت در آیات قرآن به صورت‌های مختلف بیان شده است که معرفی حضرت عیسی ﷺ به عنوان عامل نظارت در دنیا از جمله آنهاست؛ «... وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ؛ (مائده / ۱۱۷) و تا هنگامی که در میانشان بودم، بر آنان گواه بودم؛ و [لی] هنگامی که مرا به صورت کامل برگرفتی، تنها تو نگهبان آنان بودی» درباره نحوه نظارت حضرت عیسی ﷺ میان مفسرین دو دیدگاه مطرح شده است:

۱. در دیدگاه اول، حضرت عیسی ﷺ در میان امت دو وظیفه مهم رسالت و نظارت بر رفتار امت را برعهده داشت (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱ / ۳۶۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶ / ۲۴۸) براساس این دیدگاه در قیامت هر گروهی و امتی بر اعمال خود شاهد و گواهانی خواهند داشت و یکی از گواهان پیامبران ﷺ هستند که در دنیا شاهد و در آخرت گواهان امت خویش خواهند بود. بیشتر مفسران

اهل سنت و همه مفسران شیعه بر این نظر اتفاق دارند. (مراغی، بی تا: ۵ / ۴۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۵۶؛ طبرسی، همان، ۲۵۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۶ / ۵۸۲؛ آلوسی، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۴)

۲. در دیدگاه دوم که دیدگاه برخی از علمای اهل سنت است وظیفه حضرت عیسی علیه السلام را فقط رسالت معرفی می کنند نه نظارت و شهادت. (میبدی، ۱۳۷۱: ۳ / ۷۷؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۴۶۶)

با بررسی اقوال و با توجه به آیات قرآن از جمله آیه ۱۱۷ مائده و آیه ۸۹ نحل «وَوَيْومَ نُبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ؛ و [یاد کن] روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنان برمی انگیزیم و تو را [نیز] بر آنان شاهد آوردیم».

به نظر می رسد هر پیامبری ناظر بر امت خویش است و حضرت عیسی علیه السلام هم ناظر بر اعمال امت خود بود. این قانون کلی برای همه پیامبران علیهم السلام وجود دارد، اما آیا وقتی که حضرت عیسی علیه السلام در میان امت نیست باز هم ناظر اعمال امت خویش است؟ با بررسی آیه ۱۱۷ مائده در جواب باید گفت: آنچه از زبان عیسی علیه السلام نقل شده، تنها به پایان حضور و نظارت فیزیکی این پیامبر الهی اشاره دارد. بر این اساس اظهارات عیسی علیه السلام به این معنا نیست که حضور و نظارت معنوی ایشان خاتمه یافته بلکه ایشان در مواردی که نیاز به حضور فیزیکی است نمی تواند تأثیرگذار باشد و به پیروان خود اعلام کند دست از عقاید باطل خویش بردارند (طبری، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۰۳) پس نظارت معنوی عیسی علیه السلام خاتمه نیافته است و عیسی علیه السلام به این واقعیت اشاره می کند.

آیه دیگری که نظارت پیامبران علیهم السلام را بیان می کند همان آیه ۸۹ نحل است؛ در این آیه دو نوع از گواهان روز قیامت مطرح شده است: یکی از آن گواهان و ناظران، خود پیامبر آن امت است که هم در دنیا ناظر و هم در آخرت گواه بر نامه اعمال آنهاست و دیگری، به طور خاص، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که گواه بر امت خویش و گواه بر گواهان خواهد بود.

در روایتی بیان شده که «فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» یعنی اینکه شهید از مثل خودشان، جایز است نبی یا مؤمن عارف باشد. پس در هر عصری جایز نیست که (زمین) خالی از کسانی باشد که حجت بر اهل عصر خودشانند (مجلسی، همان: ۷ / ۳۰۸؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۳ / ۳۸۱) علامه طباطبایی با قید «مِنْ أَنْفُسِهِمْ»، حضور دائمی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (در میان قوم خود و با آیه «وَجِيءَ بِالْبَيِّنَاتِ وَالشُّهَدَاءِ» وجود شهادت غیر نبی را بر امتها مطرح می کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۳۲۴)

آیات و روایت مذکور، وجود غیر نبی را در میان شاهدان تأیید می کند اما با قید «مِنْ أَنْفُسِهِمْ» و حضور دائمی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان قوم خود و اینکه شاهد باید مشاهده داشته باشد و نیز با داستان حضرت مسیح علیه السلام که شهید را کسی می داند که زنده باشد (همان) سازگاری ندارد.

برای رفع این تعارض، باید شهادت پیامبر ﷺ را از نوع شهادت دنیوی دانست که حضور فیزیکی شاهد را بطلبد، بلکه نظارت و در نهایت گواهی آن در محضر الهی است که از نوع احاطه و اشرافیت ناظر بر اعمال و افکار، اعتقادات مشهود است که با قید «من انفسهم» مشکلی بر آن ایجاد نمی‌شود؛ علاوه بر آن نظارت معنوی پیامبران ﷺ بر قوم خود خاتمه نیافته بلکه به وسیله حضور معنوی، حضور دائمی محقق می‌شود.

ب) نظارت پیامبر ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ دو نوع شهادت و نظارت دارد:

یک. نظارت بر گواهان دیگر

در قرآن کریم به نظارت پیامبر ﷺ بر گواهان دیگر اشاره شده است که آیه ۴۱ سوره نساء^۱ و آیه ۸۹ سوره نحل^۲ از آن جمله است. آیات ذکر شده بیانگر آگاهی پیامبر ﷺ از اعمال و تبلیغ و رسالت ناظران در دنیا و گواهی آنان در دادگاه الهی است؛ پس آنان در دنیا از درون افراد و از جان مردم باخبرند. دنیا مرحله تحمل و آخرت محل ادا است. گستره حضور پیامبر ﷺ از اول تکون عالم امکان تا آخر دنیا ادامه دارد و افراد بشر، در تحت نظارت او قرار دارند.

آراء مختلف و بررسی آن

در این مورد دو دیدگاه در میان مفسرین وجود دارد:

دیدگاه اول: از پیامبر ﷺ به عنوان گواه بر شاهدان یاد می‌کند: (ألوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۴) اکثر تفاسیر اهل سنت و شیعه اتفاق دارند که مراد از گواه بر گواهان، پیامبر اکرم ﷺ است (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱ / ۸۸؛ شاذلی، ۱۴۱۲: ۲ / ۲۲۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۲ / ۱۴۸؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۴ / ۹۳؛ طبرسی ۱۳۷۲: ۹ / ۱۷۱؛ مراغی، بی تا: ۵ / ۴۳؛ همو، بی تا: ۲۲ / ۱۹) بنابر روایتی پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «امتش جزء گواهان و شاهدان روز قیامت بر تبلیغ رسالت هستند». (کلینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۲۶۸؛ طنطاوی، ۳۴۹ / ۹)

دیدگاه دوم: مربوط به برخی از تفاسیر اهل سنت است که معتقدند: مراد از هولاء در آیات مذکور، امت اسلام است؛ چراکه همه پیامبران ﷺ بر امت خویش مورد سؤال واقع می‌شوند. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۸۴)

۱. فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا. (نساء / ۴۱)
 ۲. وَ يَوْمَ تَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ. (نحل / ۸۹)

از نظر علامه طباطبایی، مراد از «هؤلاء» پیامبران علیهم السلام و نیز تمامی افراد بشر است که آن جناب از زمان خود تا روز قیامت که به آنها مبعوث شده است، چه معاصرینش و چه آیندگان، چه حاضرین در زمان حضرتش و چه غایبین، همگان در محضر اویند و پیامبر صلی الله علیه و آله شاهد بر همه آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۳۲۲) و دلیل بر آن، سخن خداوند در آیه ۴۵ سوره زخرف است که خداوند متعال، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از پیامبران گذشته پیرس که آیا غیر از خداوند، الهه‌های دیگری را نیز برای پرستش قرار دادیم؟» که این امر دلالت بر حضور معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و نظارت او بر گواهان دیگر دلالت دارد.

دو. نظارت پیامبر صلی الله علیه و آله بر امت اسلام

دیدگاه مفسران و آیات مربوط به آن

مفسران در این باره دو دیدگاه بیان کرده‌اند:

۱. برخی از مفسران ذیل آیه ۴۱ سوره نساء «مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بَشِيذٍ» چنین گفته‌اند: در روز قیامت خداوند هر پیامبری را بر امت خود گواه می‌گیرد و آن پیامبر به نفع و به ضرر امت خویش گواهی می‌دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله ما نیز به‌عنوان گواه امت خویش فرا خوانده می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳ / ۷۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۵۶)

۲. برخی از مفسران مراد از هؤلاء در آیه ۴۱ سوره نساء «وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» و آیه ۸۹ سوره نحل «وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ» را امت رسول الله دانسته‌اند؛ البته قومی که مخاطب قرآن است آنها کسانی هستند که پیامبر از وضعیت آنها باخبر است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۸۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۹۱۰؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۳ / ۹۴) آیات دیگری نیز بر ناظر و شاهد بودن بر امت خویش دلالت دارد، مانند: فتح / ۸؛ احزاب / ۴۵؛ مزمل / ۱۵۸؛ توبه / ۹۴ و ۱۰۵؛ بقره / ۱۴۳ و حج / ۷۸.

مفسران با توجه به دو آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَ مَبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (فتح / ۸) در حقیقت، ما تو را گواه و مزده‌آور و هشدارگر فرستادیم» و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَ مَبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (احزاب / ۴۵)؛ دو واژه مبشر و نذیر را دلیل بر شاهد بودن پیامبر صلی الله علیه و آله برای امت خویش بیان می‌کند: (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۴؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۳ / ۲۴۹) برخی مفسران، بدون در نظر گرفتن قیدی ذیل آیات مذکور، گفته‌اند که پیامبر بر امت خود نظارت دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۷۲؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۷ / ۳۲۸) قابل ذکر است که در بررسی اقوال، مفسران ذیل آیات ذکر شده نظارت پیامبر صلی الله علیه و آله بر امت خویش را اثبات کرده‌اند؛ عده‌ای حضور فیزیکی را مطرح کرده و عده‌ای دیگر به صورت مطلق بیان کرده‌اند که نظارت پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات را نیز ثابت می‌کند، در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود:

چگونگی نظارت پیامبر ﷺ

اگر «هولاء» در آیاتی مانند ۸۹ نحل «وَجِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَىٰ هَؤُلَاءِ»، اشاره به گواهان امت‌های پیشین باشد آن‌گونه که در برخی از روایات آمده است، هر پیامبری در حال حیات و ممات از طریق مشاهده باطنی و روحانی احوال تمام امت خویش را ناظر خواهد بود.

روح پاک پیامبر اسلام ﷺ نیز از همین راه ناظر به همه امم پیشین و امت خویش است و به این طریق می‌تواند نسبت به اعمال آنها، گواهی دهد و حتی صلحای امت و افراد نمونه و پرهیزگار نیز ممکن است از چنین آگاهی برخوردار باشند. مفهوم این سخن چنین می‌شود که روح پیامبر اسلام از آغاز خلقت آدم وجود داشته است؛ زیرا معنای شهود آگاهی توأم با حضور است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۸۱) در روایات نیز بارها به این مهم اشاره شده است که به‌عنوان نمونه امام باقر ﷺ می‌فرماید: رسول خدا ﷺ فرمود: «به راستی که اقامت من در بین شما برایتان مایه خیر است و جدا شدن من نیز از شما خیر شما را در بردارد ... اما جدایی من از شما موجب خیر برای شما است؛ زیرا عمل‌های شما هر دوشنبه و پنج شنبه بر من عرضه می‌شود ...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳، ۳۳۴؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۷۱) در روایات عرضه اعمال بر پیامبر ﷺ در زمان‌های مختلف بیان شده است (حر عاملی، بی‌تا: ۳۶۷) بنابراین می‌توان گفت با اینکه پیامبر ﷺ در قید حیات نیستند اما می‌تواند از اعمال امت خویش با خبر باشد و در روز قیامت بر آن گواهی دهد؛ زیرا علم انبیا از علم حصولی و بشری نیست، بلکه از علم حضوری و غیر متعارفی است که از راه اسباب و وسایل عادی به دست نمی‌آید و علم به غیب محسوب می‌شود. یحیی بن عبدالله از امام باقر ﷺ سؤال می‌کند: «فدایت شوم گروهی از مردم عقیده دارند که شما علم غیب دارید؟ حضرت در پاسخ فرمود: «لَا وَاللَّهِ مَا هِيَ إِلَّا وَرَاةٌ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ به خدا سوگند آنچه ما می‌دانیم از پیامبر ﷺ خدا به ما رسیده است.» (مفید، ۱۴۱۴: ۲ / ۱۴) البته پیامبر ﷺ از طرف خدا به این آگاهی رسیده است؛ زیرا علم به اسرار درون و باطن رفتار انسان‌ها (علم به غیب) در اصل متعلق به خداست و در صدر اسلام علم به غیب به این معنا به کار می‌رفته، از این رو امام باقر ﷺ این نوع علم را رد کردند و در گذشته علم به غیب از راه تعلیم و آموزش خداوند در اصل علم به غیب محسوب نمی‌شد، با اینکه از نظر اهل لغت این آگاهی‌ها علم به غیب است و پیامبران و ائمه اطهار ﷺ دارای این نوع علوم بوده‌اند. (مطهری و احمد کاردان، ۱۳۶۱: ۷۶) مانعی ندارد که خداوند قسمتی از علم غیب را که مصلحت بدانند و برای تکمیل رهبری رهبران الهی لازم است در اختیار آنان بگذارد. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱ / ۳۷۹) از آنجا که دایره مأموریت پیامبر اسلام ﷺ و امامان ﷺ جهانی و جاودانی است، چنین مأموریت گسترده‌ای بدون آگاهی بر زمان و احاطه بر

مکان، ممکن نیست. در نتیجه می‌توان گفت پیامبران از حضور معنوی گسترده برخوردارند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که گواه برگواهان است از حضور معنوی گسترده‌تری برخوردار است. پیامبر صلی الله علیه و آله در مدت حیات خود باید آن چنان احکام الهی را بیان و اجرا کند که جواب‌گوی نیازمندی‌های همه انسان‌ها در هر زمان و مکانی باشد و این ممکن نیست مگر اینکه دست‌کم بخشی از اسرار غیب را بداند ... (حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۵۲۳؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۵۶۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ۲۱۴؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۱۰۵) در آیات قرآن نیز به این مهم بارها اشاره شده که قبلاً تعدادی از آیات بیان شد و نظیر آن آیات سوره جن است: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ؛ (جن / ۲۷ - ۲۶) [او] دانای نهان است و هیچ کس را بر [اسرار] نهانش مسلط نمی‌سازد، جز کسی از فرستاده [ها] که [خدا از او] خشنود باشد».

اما اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله در قید حیات نیستند چگونه از احوال امت خویش باخبر می‌شوند سؤالی است که با دلایل زیر به پاسخ آن پرداخته می‌شود.

۱. اسلام به حیات برزخی انسان‌ها قائل است. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفاتش دارای یک‌نوع حیات برزخی است؛ حیاتی برتر از حیات شهدا که در قرآن بدان تصریح شده و آمده است: (آنها زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند) و حتی گفته‌اند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کسانی را که به او سلام می‌دهند می‌شنود. (امین، ۱۳۸۴: ۱۰۹)

۲. حیات اولیا پس از مرگ بدین معناست که تمامی آثار و برکات حال حیات، بعد از غیبت و مرگ ظاهری هم، با همه خصوصیاتش پابرجاست. و از این‌رو همان‌گونه که انسان‌ها در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، برای طلب رحمت و مغفرت الهی به محضر شریف آن حضرت تشریف می‌یافتند تا آن حضرت برای آنها استغفار کند و آمرزش و رحمت الهی نصیبشان شود، پس از رحلت نیز این امر به صورت خود باقی است.

۳. در زیارت آن حضرت صلی الله علیه و آله آمده است: «وَإِذْ لَمْ أَلْحَقْكَ حَيًّا فَقَدْ قَصَدْتُكَ بَعْدَ مَوْتِكَ عَالِمًا أَنَّ حُرْمَتَكَ مِثْلًا كَحُرْمَتِكَ حَيًّا فَكُنْ لِي بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ شَاهِدًا ... (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۷ / ۱۶۲) اگر در حال حیات، به زیارت و دیدار موفق نشدم اکنون قصد حرم شما کرده‌ام و اعتقاد دارم که حرمت شما در حال ممات مانند حرمت شما در حال حیات است، پس می‌خواهم شما شاهد حال من باشید و شهادت بدهید».

۴. همچنین رسول گرامی صلی الله علیه و آله با بیانی صریح و روشن به یکسانی قبل و بعد از مرگ تصریح و می‌فرماید: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وِفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ كُنْتُ لَهُ شَهِيدًا وَ شَافِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (قولویه، ۱۳۵۶: ۴۵) کسی که مرا پس از مرگ و وفات زیارت کند مانند کسی است که مرا در حال

حیات ملاقات کرده و من در هر دو حال شاهد و گواه بر او هستم و شفاعت او در روز قیامت بر عهده من است.» و در روایت دیگری علی علیه السلام نزدیک به این معنا را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید: «... إِذَا أَتَاكُمُ الْحَدِيثَ يَصْدُقُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَهُوَ مِنِّي وَأَنَا قَلْتُهُ وَمَنْ رَأَى مِنِّي كَمَنْ رَأَى حَيًّا وَمَنْ زَارَنِي فَكُنْتُ لَهُ شَاهِدًا وَشَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۵۳)

۵. در مباحث گذشته بیان شد با توجه به آیه ۴۵ سوره زخرف پیامبر صلی الله علیه و آله با پیامبران قبلی ارتباط برقرار کرده و بر اعمال آنان نظارت دارد. در ارتباط با موسی علیه السلام خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله «فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ؛ (سجده / ۲۳) و از ملاقاتش در تردید مباش.» هرچند برخی از مفسران ضمیر موجود در آیه را به خداوند برگردانده‌اند و مراد از «دیدار او» لقاءالله است؛ اما بسیاری از مفسران تفسیر دیگری برگزیده‌اند که نتیجه‌اش آن است که خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مژده می‌دهد که قبل از رحلتش با موسی علیه السلام دیداری خواهد داشت (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۰۸) و این مصداقی است از دلالت بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات بر اعمال گواهان اشراف دارد.

ج) نظارت امت اسلام

بررسی آیات و دیدگاه مفسرین

از مهم‌ترین آیاتی که بر نظارت امت اسلام بر مردم دلالت دارد دو آیه ذیل است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ (بقره / ۱۴۳) و بدین‌گونه شما را گروهی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و فرستاده [خدا] بر شما گواه باشد.» و دیگر «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ؛ (حج / ۷۸) تا فرستاده [خدا] گواه بر شما باشد و [شما] گواهان بر مردم باشید.»

در تفسیر الوسيط ذیل آیه ۷۸ سوره حج آمده است که امت اسلام گواه بر مردم هستند (طنطاوی، بی تا: ۹ / ۳۴۹) البته باید یادآور شد که دلیل شاهد بودن پیامبر صلی الله علیه و آله بر امت و امت بر سایر مردم اثبات شایستگی امت و واسط بودن بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امت‌های دیگر است و طبق این نظارت، تا پیامبر صلی الله علیه و آله شاهد طاعت و پذیرش امت باشد و بر اثر شهادت او عدالت و شایستگی امت محرز شود و بر امت‌های گذشته شهادت دهند که پیامبران صلی الله علیه و آله رسالت خدا را به آنها ابلاغ کرده‌اند و دسته‌ای از آنها نپذیرفتند و کافرشان مستوجب آتش و مؤمن شایسته بهشت شدند. آیه ۱۴۳ سوره بقره عالی‌ترین مراتب را برای مسلمانان ثابت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۳۲۰) با بررسی دو آیه مذکور می‌توان گفت که هر دو آیه با هم نقطه مشترکی دارند و آن این است که مراد از امت،

مؤمنین اند و حال آنکہ غیر این دو آیه دلالت دارند بہ اینکہ مقصود از امت، ہمہ اہل عصر می باشد. روایت نقل شدہ از ابو سعید خدری بر نظارت امت اسلام تصریح دارد: «امتہا در قیامت تبلیغ احکام و تعالیم دینی را توسط پیامبران علیہم السلام انکار می کنند و خداوند کہ دانا بہ ہمہ امور است از فرستادگان خود می خواہد با دلیل اثبات کنند کہ احکام الہی را بہ مردم ابلاغ نمودہ اند؟ آنگاہ امت محمد ﷺ را می آورند و آنها دربارہ پیامبران علیہم السلام گواہی می دهند کہ آنان حقایق دینی را بہ امتہای خود رساندہ اند و پیامبر اسلام ﷺ نیز گواہی امت خویش را تأیید می کند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۲۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷ / ۷۱ و ۳۰۸؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۱ / ۱۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۴۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۶۰؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲ / ۱۹۸؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۹۴)

بررسی نقد ارتباط امت وسط و شاهد بودن

نقدی کہ بر این مسئلہ وارد می شود این است کہ وسط قرار دادن این امت چہ ربطی دارد بہ اینکہ بعضی از افرادش شاهد بر اعمال، و رسول شاهد بر شاہدان باشد؟ در پاسخ باید گفت کہ یکی از اوصاف شاهد این است کہ در ہمہ ابعاد اعتدال و میانہ روی داشتہ باشد. بر ہمین اساس است کہ علامہ طباطبایی بیان می کند کہ معنای شہادت غایتی است کہ در آیہ شریفہ متفرع بر وسط بودن امت شدہ و قہراً وسط بودن معنایی است کہ شہادت و شہدا را بہ دنبال دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۳۲۴)

بعد از اثبات گواہ بودن و نظارت داشتن امت پیامبر اسلام ﷺ بر سایر امتہا، پاسخ این سؤال کہ آیا ہمہ امت اسلام جزء گواہان هستند یا برخی از آنان؟ و در صورت دوم مصادیق آن کدام است ضروری می نماید.

مصدق اصلی گواہان بر مردم

نقد و بررسی اقوال

در مورد شاہدان بعد از پیامبر اسلام ﷺ در میان اہل سنت و شیعہ اختلاف اساسی وجود دارد؛ البتہ ہر گروہ طبق آیہ ۷۸ سورہ حج، این اصل اساسی را پذیرفتہ اند کہ زمین در ہیچ زمانی نباید خالی از حجت و گواہ و شاهد بر مردم باشد.

امامیہ معتقد است کہ این شاهد باید عادل باشد کہ از طرف خدا برگزیدہ شدہ است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶ / ۵۸۶) در بین مفسران اہل تسنن عدہای معتقدند کہ آن گواہ، نباید خطا کار باشد ولی در صورت خطا، این قضیہ باید تا آخر ادامہ پیدا کند و باید در میان امت بہ اجماع عمل کردہ و یک نفر را انتخاب کنند و او بہ عنوان شاهد در میان مردم باشد (الوسی، ۱۴۱۵: ۷ / ۴۵۰)

رازی، (۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۵۷) فخر رازی همه اهل عصر را جزء ناظران معرفی می‌کند (همان: ۱۰ / ۸۴) در قولی دیگر از اهل تسنن منظور از شهدا بعد از پیامبر ﷺ، خداست که اعضا و جوارح دهگانه را به نطق در می‌آورد. (همان) و آیه ۸۹ سوره نحل «من انفسهم» دلیل می‌دانند بر این که گواهان باید از خودشان باشد. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۶ / ۵۸۲)

علمای شیعه با استناد به روایتی از امام صادق ﷺ، که او «از پدرش و او هم از پیامبر اکرم ﷺ» نقل کرده‌اند: از جمله چیزهایی که خداوند بر امت من داد و آنها را بر سایر امت‌ها فضیلت بخشید، سه خصلت بود که جز به پیامبران ﷺ ارزانی نداشت ... و آن گواه قرار دادن بر مردم است» (حمیری قمی، بی‌تا: ۴۱) و با استناد به روایتی از امام باقر ﷺ آورده‌اند: «گواهان بر مردم نیستند، مگر امامان و رسولان و اما امت، پس جایز نیست که خداوند آنان را گواه قرار دهد و بین آنان کسانی هستند که گواهی آنان در دنیا حتی بر علف سبزه‌ای جایز نیست» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶ / ۱۲۹) و در ذیل سوره حج از امام صادق ﷺ در این باره روایت شده است: «اگر منظور از شهادت امت اسلام بر همه مردم باشد به خدا دروغ بسته‌اند؛ زیرا کسی که در دنیا شهادتش درباره یک صاع خرما قبول نیست چگونه خداوند در قیامت از او شهادت می‌طلبد» (حمیری قمی، بی‌تا: ۴۱) بنابراین روایات وارد شده از امام باقر ﷺ مصادیق شهدا علی الناس، امامان ﷺ هستند.^۱

د) نظارت ائمه اطهار ﷺ

از آیات قرآن به دست می‌آید که امامان معصوم ﷺ نیز مانند پیامبر اسلام ﷺ شاهد بر امت هستند به‌عنوان نمونه می‌توان از آیات زیر نام برد: نحل / ۸۴ و ۸۹؛^۲ حج / ۷۸؛ قصص / ۷۵؛^۳ نساء / ۴۱؛ بقره / ۱۴۳؛ توبه / ۱۰۵.

این گونه آیات اگر چه درباره نظارت ائمه ﷺ صراحت ندارند اما با در نظر گرفتن قرائن و شواهد عقلی و روایی که در ادامه به آن اشاره می‌شود، می‌توان بر آنان تطبیق کرد. نکته قابل توجه آن است که باطن اعمال و چگونگی نیت، نقش بیشتری در جزاء و پاداش دارد؛ چراکه اگر صورت ظاهری

۱. «إِنَّا نَعْنِي وَ نَحْنُ الْمُجْتَبُونَ ... فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَيَّ النَّاسِ» (کلینی، همان: ۱ / ۱۹۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۹۲) و نیز امام باقر ﷺ فرمود: «فرسول الله ﷺ الشَّهِيد عَلَيْنَا بِمَا بَلَّغْنَا عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَيَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (همان)

۲. وَ يَوْمَ نَبِّعَتْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً. (نحل / ۸۴)

۳. وَ يَوْمَ نَبِّعْتُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَيَّ هَؤُلَاءِ. (نحل / ۸۹)

۳. وَ نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً. (قصص / ۷۵)

اعمال مد نظر بود حضور ظاهری و فیزیکی لازم می‌آمد، درحالی که احاطه بر روح و باطن انسان‌ها بدون حضور فیزیکی انسان‌ها محقق می‌شود.

یکی از ویژگی‌های ناظر (امام) این است که آیه ۱۴۳ سوره بقره از آنها به عنوان امت وسط یاد می‌کند. در معنای امت وسط مفسران و نویسندگان، تعبیر متفاوتی را بیان کرده‌اند؛ از جمله اینکه: شاهدان در مقام الهی اعتدال و میانه‌روی دارند، اگر امت وسط مطلق باشد میانه‌روی در تمام ابعاد فکری و عملی و اخلاقی مراد است (مطهری و کاردان، ۱۳۶۱: ۱۱۸) امت وسط؛ یعنی اینکه، دین شما آیینی است که می‌تواند شاهد و ناظری را تربیت کند، چنان که آنچه که دیگران انجام می‌دهند او شاهد و ناظر جان مردم است، مصداق کامل آن ائمه اطهار علیهم السلام هستند که هم خود را مشرف به دیگران و هم خود را تحت اشراف پیامبر صلی الله علیه و آله ببیند این همان ناظری است که واسطه بین اعلی و ادنی است. (جوادی آملی، ۱۳۶۴: ۲ / ۶۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۳۲۱)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «آن امت وسط که شاهدانند، تنها ما هستیم» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۶۲؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۷۷) این معنای ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره در برخی از تفاسیر آمده است: (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۶۳) که براساس آن ائمه اطهار علیهم السلام امت وسط و عدلند و آنان واسطه بین رسول صلی الله علیه و آله و مردمند و دلیل بر اینکه مخاطب امت وسط، ائمه علیهم السلام هستند قول خداوند در سوره حج است که می‌فرماید: «برای آنکه رسول صلی الله علیه و آله بر شما (ای گروه ائمه) گواه باشد و شما گواه بر سایر مردمان».

از جمله آیات مهم در این باره، آیه ۱۰۵ سوره توبه است که خداوند می‌فرماید:

وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ.

و [ای پیامبر!] بگو: «عمل کنید! پس به‌زودی خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان، کردار شما را می‌بینند».

دیدن، در این آیه مفید علم و معرفت است؛ یعنی خداوند اعمال را می‌داند و بر آن پاداش می‌دهد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به آن عمل، علم پیدا کرده و در پیشگاه خداوند بدان شهادت می‌دهد و مؤمنان نیز، آن اعمال را مشاهده می‌کنند و می‌دانند و بر آن گواهی می‌دهند. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳ / ۶۹) براساس روایات مراد از مؤمنان در آیه مذکور امامان معصوم علیهم السلام هستند، برای نمونه عبدالله بن ابان می‌گوید: «به امام رضا علیه السلام عرض کردم خدای را برای من و خانواده‌ام بخوان (ما را دعا کن) حضرت فرمود: آیا چنین کاری نمی‌کنم؟ همانا اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می‌شود.» عبدالله می‌گوید: این سخن امام را بزرگ شمردم (و در نزد من امری عظیم جلوه کرد) پس حضرت فرمود: «آیا کتاب

خدای عزوجل را نخوانده‌ای که می‌فرماید: «بگو عمل کنید که زود باشد که خداوند و رسول او و مؤمنان عمل شما را ببینند» به خدا سوگند که مراد از مؤمنون در این آیه (توبه / ۱۰۵) علی بن ابی‌طالب علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام هستند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۷) این روایت با همین مضامین در کافی آمده است: «... و الله إن أعمالکم لَتُعْرَضُ عَلَیَّ فِی کُلِّ یَوْمٍ وَ لَیْلَةٍ». (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۱۹)

با اینکه ائمه علیهم السلام در قید حیات نیستند چگونه می‌توانند از اعمال امت خویش باخبر باشند؟ و آنها تا چه اندازه می‌توانند از وضعیت افعال امت خویش باخبر شوند؟ سؤال دیگری است که باید بدان پاسخ گفت.

نحوه نظارت ائمه اطهار علیهم السلام

اسلام به حیات برزخی انسان‌ها قائل است و حیات امامان علیهم السلام نیز یک‌نوع حیات برزخی است و حیاتی برتر از حیات شهداء در مباحث قبل حدیثی را از امام رضا علیه السلام در این باره بیان شد. بر حیات اولیا پس از مرگ تمامی آثار و برکات حال حیات بعد از غیبت و مرگ ظاهری، با همه خصوصیاتش پابرجاست و این ویژگی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد در مورد ائمه علیهم السلام هم جاری است.

در قسمتی از زیارت جامعه، خطاب به معصومین علیهم السلام آمده است: «فَبِحَقِّ مَنْ اِئْتَمَّكُمْ عَلَی سِرِّهِ وَ اسْتَرَعَاكُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ؛ (قمی، ۱۳۷۵: زیارت جامعه) به حق آنکه شما را امین سر خود کرد و مأمور رعایت کار خلق خود ساخت.»

بدیهی است مورد مشاهده در مورد خدا که همه جا حاضر و ناظر است جای بحث نیست اما در مورد ائمه علیهم السلام نیز با توجه به مباحث انجام شده مانعی ندارد که آنان خود اعمال را به هنگام عرضه شدن ببینند. نکته دیگر آنکه در نظر برخی محققان، خداوند به اعمال قبل از وجود آگاهی دارد اما در مورد امامان علیهم السلام باید گفت: آنها اعمال را بعد از وجود و تحقق یافتن مشاهده می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۸ / ۱۲۸؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۲ / ۲۷۷) این موضوع براساس آیه ۱۰۵ سوره توبه مورد بحث قرار گرفت و نکته دیگر آنکه احاطه به مقامات اولیا الله به خصوص اسرار و رازهای آنان با خداوند سبحان امکان‌پذیر نیست؛ چراکه ولایت کارهایشان با خود خداست و اسماء و رسوم ایشان در خدا فانی گشته است «وَلَا یُحِیْطُونَ بِهٖ عِلْمًا؛ (طه / ۱۱۰) درحالی که به او احاطه علمی ندارند.» اما از خصوصیات و ویژگی‌های اولیا الله این است که کسی جز پروردگارشان از آنها آگاه نیست و بر آن احاطه ندارد. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۱۴)

با توجه به مطالب و دلایلی که ارائه شد، ائمه اطهار علیهم السلام نظارت و حضور معنوی هم در زمان حیات و هم در زمان مماتشان دارند این از اسرار ولایت است که خداوند به بعضی از بندگانش تفویض می‌کند.

نتیجه

۱. شهادت و نظارت در معنا به هم نزدیکند ولی با این تفاوت که در نظارت استمرار و مراقبت وجود دارد و شهادت ارائه این حقیقت است.
۲. رقیب، شاهد، خبیر، بصیر، نظارت ... به صورت مطلق از آن خداست اما خداوند بنا بر اقتضای عالم ماده، بعضی از این امور را بر بندگان خاص خودش واگذار کرده و قسمتی از علم غیب را که احاطه به باطن رفتار انسان‌ها در همه ازمه و امکان دارد، به عده‌ای از عاملان خود تفویض کرده است.
۳. در قیامت هر گروهی و امتی بر اعمال خود شاهد و گواهانی خواهند داشت و یکی از گواهان پیامبران علیهم السلام هستند که در دنیا ناظر و در آخرت گواهان امت خویش خواهند بود.
۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گواه بر امت خویش و گواه بر گواهان خواهد بود و این بزرگ‌ترین رتبه و جایگاه و مقام پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند و خداوند ناظر بر پیامبر صلی الله علیه و آله است.
۵. شاهد بودن پیامبر صلی الله علیه و آله بر امت و امت بر سایر مردم، اثبات شایستگی امت و متوسط و میانه بودن و واسط بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امت‌های دیگر است.
۶. شیعه معتقد است که شاهد باید عادل برگزیده از طرف خدا باشد و اهل سنت معتقدند: باید بعد از پیامبر در میان امت به اجماع عمل کرد و یک نفر را انتخاب نموده تا او به‌عنوان شاهد در میان مردم باشد.
۷. امامان علیهم السلام شهداء علی الناس هستند و اما امت؛ پس جایز نیست که خداوند آنان را گواه قرار دهد درحالی که بین آنان کسانی هستند که گواهی آنان در دنیا حتی بر علف سیزه‌ای جایز نیست.
۸. پیامبران علیهم السلام و از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم در زمان حیات و هم در زمان ممات، شاهد امت خویش هستند این حکم در مورد نظارت ائمه علیهم السلام در زمان حیات و ممات نیز جاری است.
۹. حیات اولیا پس از مرگ بدین گونه است که تمامی آثار و برکات حال حیات، بعد از غیبت و مرگ ظاهری هم، با همه خصوصیاتش با برجاست و این ویژگی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، اسوه.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، تهذیب.
- آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- ۱۷۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال ۶، بهار ۹۴، ش ۲۱
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ۳.
- امین، سید محسن، ۱۳۸۴، کشف الارتیاب، قم، دار الکتب الاسلامی.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بروسری، اسماعیل، ۱۴۰۵ ق، تفسیر روح البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۴، تفسیر موضوعی قرآن مجید، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____، ۱۳۷۸، حماسه و عرفان، قم، اسراء، ج ۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه (کتاب جهاد بانفس)، ترجمه علی افراسیابی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات.
- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، کتابخانه نینوی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نورالثقلین، تصحیح رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ج ۲.
- دانش، محمد تقی، ۱۳۸۵، شاهدان قیامت از دیدگاه قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت و دمشق، دار صادر و دار الشامیه.
- سیاح، احمد، ۱۳۷۳، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، انتشارات اسلام، ج ۱۶.
- سید قطب، ۱۴۱۳ ق، فی ظلال القرآن، قاهره، دار الشرق.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۶ ق، تفسیر جلالین، بیروت، مؤسسه النور.
- شفیعی، سید حسن، ۱۳۷۸، آیت بصیرت، قم، دار العلم، ج ۴.
- صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ترجمه محی‌الدین الهی قمش‌ای، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۷.
- صدر، سید محمدباقر، بی تا، الاسلام یقود الحیاه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۱۳۶۲، امالی، قم، کتابخانه اسلامی.

- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ ق، بصائر الدرجات، قم، کتابخانہ آیة اللہ مرعشی نجفی.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۸۲، طریق عرفان (شرح و ترجمہ رسالہ ولایت)، ترجمہ صادق حسن زاده، قم، بخشایش.
- _____، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ ق، مشکاة الأنوار فی غرر الاخبار، ۱ ج، کتابخانہ حیدریہ نجف اشرف.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، تفسیر جوامع الجامع، ترجمہ مترجمان، تهران و قم، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- _____، ۱۴۰۸ ق، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت، دار المعرفہ، چ ۲.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ ۳.
- طنطاوی، سید محمد، بی تا، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا، بی نا.
- عبدالقادر، ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲ ق، تفسیر بیان المعانی، دمشق، مطبعہ الترقی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانہ علمیه.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، بی تا، روضہ الواعظین، قم، انتشارات رضی.
- فراہیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، ہجرت، چ ۲.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۸۸، تفسیر صافی، ترجمہ عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، چ ۶.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۸، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیہ، چ ۱۳.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قریشی، سید مهدی، ۱۳۸۱، گواہان اعمال در قرآن و سنت، قم، حوزه علمیه.
- قمی، عباس، ۱۳۷۵، مفاتیح الجنان، دعای یستشیر، عشرات و عرفہ، تهران، ہاد.
- قمی، علی بن ابراہیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، قم، دار الکتب، چ ۴.
- قولویہ، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶ ق، کامل الزیارات، نجف اشرف، مطبعہ المبارکۃ المرتضویہ.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیہ، چ ۵.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، تفسیر بیان السعادت فی مقامات العبادۃ، بیروت، مؤسسۃ الأعلمی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطہار علیہم السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محسن شیخی، علی اصغر، ۱۳۸۱، نظارت و بازرسی، قم، مرکز تحقیقات اسلامی.

۱۷۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال ۶، بهار ۹۴، ش ۲۱

- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، احمد و غلامرضا کاردان، ۱۳۶۱، *علم پیامبر و امام در قرآن*، قم، مؤسسه در راه حق.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *امالی*، بیروت، دار المفید، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۰، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲۰.
- موسویان، سید مظفر، ۱۳۸۱، *شاهدان و ناظران اعمال انسان براساس آیات و روایات*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی